

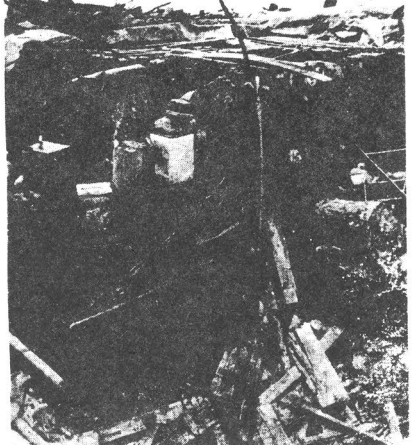
پیکار خلق ضمیمه

گزارشی از مبارزات اهالی خاک سفید (طهران پارس)

(۲۵)

گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست

زنگنه بعد از قیام هفتم ماه، مرد مستعدی و بی سرباه که سالهای متداری از اجاره نشینی، آلونک نشینی و بی خانمانی رنج می برد، مردمی که هنگام ساختن یک چهارپایه برای خود در زمینهای خارج از محدوده «هر روز و هر ساعت با سرکوب و حمله و تجاوز با مأموران شهرداری و ساوا و تزاران درمی و شهرانی شاه خائن رود رو بود و حتی هنگام خراب کردن خانه هایشان توسط بولد زهای شهرداری شهید دادند، به تصور اینکه اکنون دیگر «انقلاب» شده و براتی میتوانند صاحب خانه و سربانهای برای خود و فرزندانشان شوند، بانه به «غدا اری پول»، چه باقرض کردن و چه با فروش وسایل زندگی خود، در منطقه و وسیعی از اطراف تهران پارس در زمینهای که توسط شاه هیویراد شاه خائن قلابه زور و صاحبان آنها گرفته شده و به بعضی از آنها نیز پول کی پرداخت شده بود، شروع به خانه سازی نمودند. پس از مدتی کمیته های امام از این مسئله مطلع شده و با تدبیر و دقت و دقت از قبیل اینکه «شما باید صبر انقلابی داشته باشید»، دولت بزرگی برای همه شما خانه تهیه خواهد کرد و... مرد مراد نخوت نمود و از ادامه کار باز داشتند. مرد بی خانه به پیشنهاد مأموران کمیته و شهرداری و بنیاد مسکن برای دریافت خانه از دولت به کمیته محل مراجعه کرد و وثیقه نام نمود و منتظر ماندند تا نتوانشان برسد و از طرف دولت آنها خانه داده نشود. بیکاه گذشت و خبری نشد. دوباره مرد مراجعه کرد. اینبار از طرف کمیته آمده گفتند که کمیته در فاتحه بدیث نامشود زیرا شماره های قبلی به خورده



است و ضمناً مأموران برای تحقیق درباره متقاضیان خانه به آدرسهای داده شده رفته اند تا ببینند که آیا همه آنها سخر هستند یا دروغ میگویند. مرد چچند مدت تا نگراند و باز همتنظر شد و بعد مای نیز که از همان ابتدا ابعوثانی بود و رفته های کمیته و شهرداری مرد به بود و دوباره شروع ساختن خانه در زمینهای بی نموند و وثیقه نیز منتظر شد. مدتی دیگر گذشت و باز هم از زمین خانه از طرف دولت خبری نشد. این بار به تکرار شد تا اینکه همه مرد متوجه شدند که میبوه در انتظار خاننیزم از طرف دولت «انقلابی» هستند. بدین جهت همگی بی اعتنا به رفته های کمیته، مأموران شهرداری و مسئولان ساختن چهارپایه و زمینهای بدگرفتند. منطقه «خاک سفید» شامل چندین هکتار زمین است که ۹۰٪ آن متعلق به شاه هیویراد و متاعصری از فاشیونیست و بعد از هم متعلق به خرد مالکان بود که کاندیدین قبل آنها اخرجیده و وسعیا صورت گرفته بودند تا در صورت بالا رفتن قیمت زمین آنها را قیمت گران بفروشد و تازه بعد از زمینهای این باصلاح مالکین نیز قلاب توسط دولت قبلی برده شد و در هر سینه های آنان به مرطاطل خورده است با وجود این بعلت اوضاع در هم و برهم کوئی آنها نیست و بی مالک بودن میا-

در زمان این مبارزات، مأموران کمیته و شهرداری و بنیاد مسکن و... با استفاده از نیروی نظامی و پلیس، اقدام به سرکوب و تخریب خانه های مردم کردند. در این میان، مردم با استفاده از وسایل ساده، با شهرداری و مأموران مبارزه کردند. در نهایت، مردم موفق شدند تا خانه های خود را بازسازی کنند و به زندگی عادی بازگردند.

حمله و حشیانه که هیچ تفاوتی با عمل مرتجعانه رژیم شاه نداشت ستوده آمده بودند دست به تظاهرات زدند اما چون صبح آرتور نتوانستند به تظاهرات ادامه دهند قرار شد کسایست بعد از ظهر همان روز مجدداً در این منطقه جمع شده و راه پیمایی کنند . ساعت مقررده و نایک از اهالی گرد آمده و هنگامیکه میخواستند راه پیمایی را شروع کنند پانجیپ حامل مأمورین مسلسل بدست کیمته به مقابل مردم آمده و شروع به تیراندازی هوایی نمودند . مردم که دیگر جان پیمانی را رسیده بود بر سر یکی از مأموران ریخته و میخواستند اسلحه و وی را از چنگش درآورند که دیگر مأموران و چند نفر از اهالی مانع اینکار شدند . در آن موقع کیمته جنی ها که اوضاع را با مساعد دیدند از زمین ان عمل گریختند و وسایط بعدی با سیج تمام افراد کیمته و پاسداران مناطق تهران پارس ، تهران نو ، نارمک ، در دست و غیره با آمبولانس آریکشان به منطقه هجوم آوردند که خیال خود زهر چشمگیرند اما مردم زجر کشیدند و از این صحنه ساریهای پوئالی باکی نیست . آنها بدین ترتیب در محل جمع شده و شروع به اعتراض نمودند تا اینکه پلند و مأمورین مردم سخنرانی کرده و از آنها خواستند هر کاری که میبایست انجام دهند اما مأموران کیمته و پاسداران حمله نکنند . خلاصه آرتور نیز بدین ترتیب کشت .

از ظهر همان روز مردم در کیمته نارمک اجتماع کرده و خواستار رسیدگی به اوضاع شدند که البته همانگونه که انتظار میرفت از طرف "مشولان" امور یا سخنی به آنها داده نشد و کوشش میشد که از تجمع آنها جلوگیری بعمل آید . بیه آنها از این اجتماع جدا شدند و در واقع از تنگ توده ها وحشت شد بد دارند زیرا تنگ توده مردم و سخت گیری درست آن علیه ارتجاع است که باعث نابودی کلیه مرتجعین خواهد شد . مأمورین میگفتند که این زمینها صاحب دارند ، اما عاجز بودند و نیز تر داشتند از اینکه بگویند صاحبان آنها چه کسانی هستند . آیا صاحبان بعضی از زمینها همان صاحبان بازار و جاهیهای رئیس کیمته امام نیتشند که در سرگیری و جلوگیری از خانه سازی در این زمینها مانع دارند .

اکنون پس از چندین ماه درگیری مردم با مأمورین مختلف و مقاومت آنها و عاجز ماندن مأمورین در جلوگیری از خانه سازی بعد و بیش از ۷ هزار خانه در این منطقه ساخته شده و تقریباً نصف مردم در خانه های نیمه ساخته خود زندگی میکنند . شهرداری سازمان مسکن و بنیاد مسکن با همکاری کیمته منطقه پنج مشترکاً خیال نازمان برای اهالی این منطقه در سر دارند . آنها از طرفی در روزنامه ها اعلام کردند که ۹۰ هزار متر از زمینهای خاک سفید در اختیار مردم قرار میگیرد و از طرف دیگر مردم بی خانه را که در این محل سکونت دارند مجبور خوانده و تهدید کردند که با کمک مأمورین انتظامی مردم مجبور از این منطقه بیرون خواهند راند .

مأمورین مشترک کیمته در این تهدید خود نیز بیکار نگذاشته و میگویند که افع ثروت - ندان و سرمایه داران میباشند . نقل قول زیر از روزنامه کیهان سه شنبه ۸/۷/۵۸ خود گویای این واقعیت است : "... دینی جویانان خرده مالکان منطقه خاک سفید دست به اعتراض زدند و چندین بار برای جلوگیری از درگیریهای خونین جلساتی با حضور امام الله خسرو شاهي سرپرست بنیاد مسکن در محل تشکیل و طی سخنرانی هائی خرده مالکان دعوت به صبر و شکیبائی انقلابی شدند "نقل قول دیگریانگس طرح مرتجعانه سرگیری مردم بی خانه و زحمتکش است که با هزار خون دل و درگیریهای شبانه روزی با مأمورین مشترک یک چهار دیوار و یک افان برای خود ساخته اند "پس از تخلیه کامل زمینهای مزبور این کیمته با همکاری مأموران انتظامی نسبت به بیرون راندن متجاوزین که با فرصت طلبی زمینهای مردم را تصرف کرده اند اقدام خواهد کرد و زمینها نیز به صاحبان اصلی آن تحویل خواهد شد" در آری تصور این تازه بقدر رسیده ها صاحبان اصلی این زمینها کسانی هستند که در بهترین مناطق شهر خانه و حتی ویلا دارند و این زمینها را با پول باد آورده ، پولی که از دسترنج زحمتکشان بی خانه ساکن همین منطقه به جیب زده اند ، خریده بودند که بعد از چند سال که زمین مرغوب شد آنها را بقیمت گزاف فروخته و باز عهده های کلان ببرند .

بله اینان بخواهی ثابت کرده اند که برخلاف گفتارشان مدافع زحمتکشان نبوده بلکه در جهت عکس آن عمل میکنند ، بهمین خاطر نیز کسانی که واقعا احتیاج به این زمینها داشته و در واقع صاحبان اصلی این زمینها هستند مجبور و فرصت طلب میباشند و آنها را نه تنها بسرکوب توسط مأمورین انتظامی تهدید میکنند ، بلکه بعمل نیز دست می یازند ، چنانکه تازه ترین حمله این جیره خواران جدید بعد از ظهر روز دوشنبه ۸/۷/۵۸ رخ داد . در این یورش مقبول و زشت از ۲۰ پاسدار و کیمته چی مسلح ، تعدادی حدود ۵۰ نفر از مردم رنجیده و زخمی شدند . زحمتکشان در چند قطعه زمین محاصره کرده و بعد از تشکیل چند تپه هوایی مردم بی سلاح را برگیرا بستند و در این حادثه چهار مجروح و دوشهید بر جا گذاشتند که حال یکی از مجروحین وخیم است . این سرگیری وحشیانه روزنامه های وابسته را نیز وادار به درج ماجرا نمود . اما طبق معمول بطور سانسور شده . این گونه افعال مرتجعانه نیز با شکست روبرو خواهد شد زیرا شاه خائن ایستاده و بالاخره هم موفق به گرفتن حق خود شدند ، اینبار نیز بدین ترتیب این تهدید ها ایستادگی و مقاومت نموده و پیروز خواهند شد ، زیرا حق بسا آن بوده و این زمینها بایستی در اختیار آنان قرار بگیرد . اگر شهرداری ، بنیاد مسکن و کیمته" امام واقعا خواستار دادن زمین مردم بودند شش ماه تمام اهالی این منطقه را سرگردان نگذاشته و از همان ابتدا میتوانستند زمین را تفکیک کرده و در اختیار افراد بی خانه و مستأجر قرار دهند و نه حالا که مردم در خود بی خود فروز کردن و فروشن لوازم خود اطاعتی برای خود درست کرده اند . مأمورین مشترک مسلما موفق به بیرون راندن اهالی بی خانه از این منطقه نخواهند شد .



از آنجائیکه منطقه خاک سفید بسیار بزرگ است و در حال حاضر حدود ۷ هزار خانگی در آن زندگی میکنند لذا مأمورین از این موضوع استفاده کرده و هر بار بیک محل یورش برده و دستبرد میزنند . بهمین خاطر قرار آرتور یعنی چهارشنبه ۶/۲۸ مأمورین بحملاتی تیرفته و شروع به جمع آوری وسایط بنائی کردند که با مقاومت شدید مردم آن محل روبرو شده و حتی کار بزرگ و خورد انجامید . جوانی که با یکی از مأموران درگیر شده بود جلو آمده و در مقابل مأمورین که تهدید به تیراندازی میکردند ایستاد و پیراهن خود را باز کرده و با سیمهای فراخ به مأمورین ترجیع گفت : "اگر راست میگویند تیراندازی کنید . من آمادام ، من کشته میشوم بخاطر بقید "مأمورین که جا خورده بودند شروع به فحاشی نموده و آنچنان فحشهایی دادند که مأمورین شهرداری ساواک را هم روسفید کردند . خلاصه حدود یک ساعت به کشش و جبر و بحث آنجا یکی از اهالی میگفت اینها ساواکی هستند . دیگری میگفت اینها از ساواکهای شاه هم بدتر هستند . زن رنجیده ای که همراه جبه های خود آنها ایستاده و از این همه احجاف ، بی عفتی و جنایت بخشش آمده بود میگفت ساواکی ها بهتر از اینها بودند آنها بعد از زیر زمین مردم را تشنگه میدادند و سرکوب میکردند اما اینها در روز روشن جلوه گمانی کار را میکنند . مأمورین که از مقاومت بحق مردم دست نمیدادند اما نفس میدادند و نیز عوای تشلیک میکردند و مرثا میگفتند که جمع نشوید ، بعد